

محمد فتاحی، ایرج آذرین، یوسف پاوه

شاهو پیرخضرائیان ۱۷ نوامبر ۲۰۰۲

محمد فتاحی صراحتاً از پرخاشگری یوسف پاوه، ناسیونالیست فکسنی هوچیگر، به ایرج آذرین خوشش آمد. (خودش می گوید: شخصا از جواب صریح یوسف پاوه ای به ایرج آذرین، به نمایندگی از طرف «روشنفکر چپ ملت کرد» خوشم آمد!) اما قبل از اینکه کسی را با ابراز این خوشحالی به حیرت آورد، گوی پرخاشگری را از یوسف پاوه ربوده است. (نگا: پاراگراف سوم مطلب محمد فتاحی)

کاش مطلب محمد فتاحی، به پرخاشگری و بشکن زدن با آهنگ فحاشی یوسف پاوه ختم می شد. او، معلوم نیست چرا تا این حد ناشیانه، مقاله ایرج آذرین را پاک تحریف می کند: (در مورد کردستان، اما، از نظر ایشان، (منظور ایرج آذرین است) همچون همه چپهای سنتی، فقط یک جنبش هست، «جنبش ملت کرد» کل چپ سنتی وقتی به کردستان میرسد، عینک ملی و قومی شان برق می زند. از نظر اینها، کردستان سر زمین عشایر و طوایف است که یک جنبش ملی برای رشد صنعت و رفع عقب ماندگی اقتصادی قبایی است پر به تن جامعه اش!) (تاکید از من است)

حالا ببینیم ایرج آذرین چه نوشته است: (احزاب سنتی کردستان عراق هم اکنون این تصور را در تبلیغات امپریالیستی تقویت کرده اند که گویا سطح تمدن ملت کرد در مرحله قبیلہ ای قرار دارد و مثنی عشیره عملکرد آنها را تضمین میکنند..... سطح واقعی فرهنگ سیاسی کردستان امروز در عرصه سیاست جهانی نمایندگی نمی شود.) خطاب به روشنفکران کرد در اروپا و آمریکا: (نگذارید ناسیونالیستهایی که تمام هستی حال و آینده اشان را به توفیق سیاستهای امپریالیستی گره زده اند معرف فرهنگ سیاسی ملت کرد قلمداد شوند. جامعه کردستان، مثل هر جامعه جهان امروزی، چپ و راست دارد.)

چرا؟ منظور من از مطرح کردن این سوال، این چرا، شیوه آزار دهنده فحش و پرخاش محمد فتاحی نیست. این روزها، از وقتی که این کامپیوتر لعنتی به بازار آمده، بیچاره ما (می بخشید! بیچاره من. بگذار کاری به کار دیگران نداشته باشم) آنقدر فحش و فحاشی شنیده‌ام که پوستم کلفت شده است. یکی از دوستانم چند سال پیش به من گفت: خفه شو! تو که معلم اخلاق نیستی. حق دارد. سوالی که من مطرح می‌کنم حتی در مورد آن تحریف ناشیانه هم نیست. سابقه تحریف به قبل از کامپیوتر هم بر می‌گردد. سوالی که من مطرح می‌کنم این است: چرا محمد فتاحی، به کل مقاله ایرج آذرین توجه و آن را نقد نمی‌کند؟ من شخصا، شاید تنها به دلیل نوشته محمد فتاحی و قبل از او هم مطلب مختار محمدی، مقاله ایرج آذرین را چند بار خواندم و هر چه بیشتر آن را خواندم بیشتر به درستی آن پی بردم. شاید مغز من توانایی تجزیه و تحلیل مطالب سیاسی را از دست داده است. باور کنید پرخاشگری برای مغز آدم خوبیت ندارد، خشک و پوکش می‌کند. لطفاً به جای پرخاشگری و تحریف، برای من و خوانندگان مثل من که شاید تعدادمان کم نباشد توضیح دهید که تناقض بحث ایرج آذرین با مطلب قبلیش در همین زمینه (تراژدی کرد در کارگزاران امروز ۱۴) که هنگام عضویتش در حزب کمونیست کارگری نوشته بود، و حتی با بحثهای منصور حکمت در چیست؟ اما نقد مطلبی که ابتدا تحریف می‌شود، به نظر من هیچ ارزشی ندارد. گفتن اینکه "قلم ایرج آذرین وقتی که در کنار منصور حکمت بود، چپ یک جامعه را به خط می‌کرد. فرمایشات عهد عتیقی امروزش اما، شک دارم پز دادنهای روشنفکرانه ملا بختیار را چپ تر کند!" هم کسی را متقاعد نمی‌کند. من فکر می‌کنم قضیه کاملاً برعکس است: اگر ایرج آذرین امروز هم عضو حزب بود و مطلب فوق را با همان مضمون و دقیقاً با همان کلمات می‌نوشت، محمد فتاحی به جز تعریف و تمجید یک کلمه در باره‌اش نمی‌نوشت. یک مسئله را به شهادت می‌گیرم: واکنش محمد فتاحی به بحث انحرافی مظفر محمدی در روزنه ۶۴۷ چه بود؟

واقعیت این است که عینک دود گرفته سکتاریسم امکان دید رئالیستی و حقیقت گرایی را

از محمد فتاحی گرفته‌است. مرزبندی او با ایرج آزرین طبقاتی نیست، حزبی است. برای من، که خودم را بیش از محمد فتاحی متعلق به کمونیسم کارگری می‌دانم، جای خوشحالی است که انسانهای دیگر، سوای اعضاء حزب کمونیست کارگری، در مورد جنگ و جنبش ضد جنگ موضع درست می‌گیرند. من شخصا از مقاله ایرج آزرین خوشم آمد، نه از جواب صریح (بگو چرت و پرت) یوسف پاره‌ای.